

مطالعات فقه‌سیاست

دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال اول، شماره دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۰)
تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سنجه‌های اولویتی فقه سیاسی در مقام تزاخم

محمدعلی رنجبر^۱

چکیده

با شکل‌گیری نظام اسلامی در ایران، آمریکا که حیاتی‌ترین و اصلی‌ترین کشور منطقه را از دست داده بود، تهدیدات مختلفی در حوزه‌های سیاسی - نظامی، اقتصادی - تجاری و فرهنگی - اجتماعی برای نظام نوپای اسلامی ایران به وجود آورد تا مانع تثبیت نظام اسلامی شود. مقاله حاضر با روش فقهی - اجتهادی و با محوریت نظریه «تکلیف‌مداری» به عنوان یکی از نظریات کارآمدی، به دنبال اثبات کارآمدی نظام در سپهر سنجه‌های اولویتی مندرج در فقه سیاسی است که در مقام تزاخم تکالیف اجتماعی به یاری ولی فقیه می‌آیند. این سنجه‌ها بر اساس اولویت برآمده از مقام تزاخم عبارت‌اند از: تثبیت امنیت جانی، تثبیت امنیت مالی و تثبیت امنیت اخلاقی. با تبیین این نقشه راه مشخص خواهد شد نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از تلاشی مجاهدانه، مقاوم و استوار، توانسته است در حوزه تهدیدات نظامی که امنیت جانی ملت ایران را تهدید می‌کردند، به هدف کلیدی خود یعنی تثبیت امنیت جانی، دست یابد و کارآمدی خود را در این مرحله به خوبی نشان دهد. واژگان کلیدی: کارآمدی نظام اسلامی، فقه سیاسی، سنجه‌های اولویتی فقه سیاسی، تثبیت امنیت جانی.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکتری علوم سیاسی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)؛



مقدمه

از آنجا که نهضت اسلامی امام خمینی علیه السلام نهضتی اسلامی است، لاجرم نهضتی جهانی قلمداد می‌شود؛ زیرا اسلام به عنوان کاملترین، جامع‌ترین و آخرین دین الهی، مخاطبش را کل بشریت در تمام زمان‌ها و مکان‌ها لحاظ کرده است. به عبارت دیگر اسلام در پی تحقق حاکمیت ارزش‌ها، قوانین و ساختارهای الهی و دینی در سراسر جهان است. لذا انقلاب اسلامی ایران هدفی جهانی برای تحقق جامعه توحیدی در سراسر دنیا دارد؛ اما این هدف کلان و راهبردی که از آن به نظم و تمدن نوین اسلامی یاد می‌شود، برخی از اهداف مقدماتی و راهبردهای ابتدایی را نیز دنبال می‌کند. در واقع انقلاب اسلامی ایران بر اساس واقعیات موجود و شناخت وضعیت موجود و البته با ترسیم وضعیت مطلوب برآمده از حقیقت اسلام، با برنامه‌ریزی دقیق و منطقی در صدد انقلاب علیه رژیم طاغوتی پهلوی برآمد و بعد از پانزده سال مبارزه مستمر به هدف خود، یعنی سقوط نظام طاغوتی دست یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بلافاصله مرحله بعدی انقلاب یعنی تشکیل نظام اسلامی آغاز شد و با همه‌پرسی سراسری نظام جمهوری اسلامی ایران با محوریت احکام اسلامی، تحت مدیریت ولی فقیه شکل گرفت.

با شکل‌گیری نظام اسلامی در ایران، این نظام نوپا از سوی دو ابرقدرت آن زمان و البته ایادی منطقه‌ای و عناصر و نفوذی‌های داخلی آنها با سه نوع تهدید فراگیر مواجه شد. هدف این تهدیدات و موانع، جلوگیری از تثبیت نظام اسلامی و حرکت به سمت مراحل بعدی انقلاب، یعنی دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی بود. این تهدیدات فراگیر عبارت‌اند از: تهدید نظامی که امنیت جانی مردم را به مخاطره جدی انداخته بود، تهدید اقتصادی که امنیت مالی را نشانه گرفته بود و تهدید فرهنگی که امنیت اخلاقی و روانی جامعه را تهدید می‌کرد.

این سه تهدید که از هر کدام هزاران مورد گریبان کشور را گرفته بود، همزمان با هم و البته با اولویت تهدید نظامی، نظام نوپای ایران اسلامی را آماج حملات خود قرار داد. در ادامه به برخی از این تهدیدات و بحر آنها به صورت خلاصه اشاره می‌کنیم:

۱. حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در بخش‌های مختلف کشور هم‌چون ترکمن صحرا، کردستان و خوزستان. (روزنامه رسالت، ۱۳۸۸)
۲. حملات تروریستی به مردم و نیروهای انقلابی از قبیل حزب جمهوری، دفتر نخست



وزیری، ائمه جمعه یا شهدای محراب، مسئولان قضایی هم‌چون شهید قدوسی و بسیاری دیگر از ترورهای بی‌هدف که حاصل آن هفده هزار شهید ترور بود. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۷)

۳. حمله نظامی آمریکا به صحرای طبس که به قصد آزادسازی گروگان‌های سفارت و البته حمله به جماران و کودتا علیه نظام انجام شد و با امداد الهی و اسیر شدن آمریکایی‌ها در طوفان شن، به فضاحت و شکست سنگین آمریکا انجامید.

۴. حمله نظامی گسترده صدام به ایران که به مدت هشت سال طول کشید و به بسیاری از تأسیسات زیربنایی کشور آسیب و صدمه جدی وارد کرد.

۵. ایجاد گروه‌های تروریستی در مجاورت مرزهای ایران و ایجاد ناامنی و ناآرامی در مرزها.

۶. حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق و ایجاد پایگاه‌های گسترده نظامی و اطلاعاتی در پیرامون ایران برای کنترل و مهار نظام جمهوری اسلامی ایران.

۷. تحریم‌های اقتصادی

۸. ایجاد جنگ رسانه و جنگ نرم و نفوذ فرهنگی برای تغییر سبک زندگی اسلامی و انقلابی مردم به سبک زندگی غربی و ترویج لابی‌گری و مفساد اخلاقی در بین جوانان.

بی‌تردید این تهدیدات سه‌گانه، مانعی بزرگ بر سر راه تثبیت نظام اسلامی و حرکت به سمت مرحله سوم انقلاب، یعنی تشکیل دولت اسلامی بود. لذا ابتدا باید این موانع را از سر راه برداریم تا با تثبیت نظام اسلامی وارد مراحل بعد؛ لکن نمی‌توان برای ایجاد ثبات در حوزه‌های سه‌گانه مذکور، به صورت همزمان عمل کرد؛ بلکه ولی فقیه یا امام امت باید بر اساس سنجه‌های اولویتی مندرج در فقه، اولویت‌ها را مشخص کند و گام به گام، با روش مجاهدانه این اولویت‌ها را محقق کنیم. از این رو مقاله حاضر در صدد است تا با استفاده از سنجه‌های اولویتی در مقام تراحم تکالیف اولویت کاری نظام اسلامی در مواجهه با این تهدیدات فراگیر را تعیین کند و سپس به بررسی کارآمدی نظام اسلامی در تحقق این اولویت پردازد.

متأسفانه بی‌توجهی به موانع، امکانات و واقعیات پس از انقلاب و نیز نقشه راه برآمده از فقه سیاسی اجتماعی اسلام، باعث شده است که بسیاری در کارآمدی نظام اسلامی دچار شک و تردید شوند. این دسته به اهداف کلان، شرایط زمانه، تهدیدات پیش رو، نقشه راه و مقام تراحم تکالیف و اولویت‌های برآمده از آن توجه ندارند. لذا مقاله حاضر با محوریت روش فقهی و بررسی سنجه‌های اولویتی فقه سیاسی، به این سؤال کلیدی پاسخ خواهد داد که آیا نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس سنجه‌های اولویتی فقه سیاسی، کارآمد بوده است؟ بر این



اساس ابتدا به تبیین مفهوم کارآمدی پرداخته خواهد شد، بعد از آن سنجش‌های اولویتی در فقه سیاسی تبیین می‌شود و در نهایت راهکارها و میزان کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در سپهر این سنجش‌ها بررسی خواهند شد.

۱. مفهوم کارآمدی

اصطلاح «کارآمدی» بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد. در فرهنگ علوم سیاسی، این اصطلاح به اثربخشی، نفوذ، کفایت، قابلیت، و لباقت معنا می‌شود. در تعریفی دیگر کارآمدی با کارایی مترادف گرفته شده و این‌گونه تعریف شده است: قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص. سنجش مقدار کارایی از طریق مقایسه مقدار استاندارد با هدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده، صورت می‌گیرد؛ مثلاً تولید واقعی با تولید مورد هدف و یا زمان مصرف شده با زمان پیش‌بینی شده مقایسه می‌شود. (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۶) از دیدگاه سیمور لپیست کارآمدی عبارت است از تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت، به گونه‌ای که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را عیناً مشاهده کنند. (لیپست، ۱۳۷۴، ص ۱۱)

از مجموع تعاریف متعددی که در این زمینه وجود دارد، می‌توان کارآمدی را «موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع» تعریف نمود. از این رو کارآمدی هر پدیده بر اساس سه شاخصه اهداف، امکانات و موانع آن پدیده مشخص می‌گردد. هر قدر پدیده‌ای با توجه به سه شاخصه مذکور در تحقق اهدافش موفق باشد، به همان مقدار کارآمد است.

۱-۱. نظریه‌های عمده در باب کارآمدی

نظریه توفیق: در این نظریه با ملاک رسیدن به اهداف می‌توان کارآمدی نظام‌ها را سنجید. **نظریه رضایت:** در این نظریه، بدون توجه به توانایی حکومت در تحقق اهداف، تنها به این وجه توجه می‌شود که حکومت تا چه مقدار توانسته است رضایت مجموعه کسانی را که با آنها ارتباط دارد، جلب کند. در این رویکرد هر مقدار که حکومت بتواند رضایت مردم را بیشتر جلب کند، کارآمدتر تلقی خواهد شد.

نظریه تکلیف‌مداری: این نظریه با دو رویکرد فوق تعارضی ندارد؛ ولی فراتر از آنها به مسئله کارآمدی نگاه می‌کند؛ به این معنا که کارآمدی یک نظام با میزان تعهد و التزام حکومت به تکالیف شرعی مورد نظر جامعه سنجیده می‌شود. در واقع هر مقدار که حکومت‌کنندگان به تکالیفی که از



منبع فرابشری گرفته‌اند بیشتر عمل کنند، کارآمدتر تلقی می‌شوند. (ذو علم، ۱۳۸۳، ص ۷۴)
این تحقیق، نظریه تکلیف‌مداری را به عنوان چارچوب نظری خود در بررسی کارآمدی نظام اسلامی برگزیده است.

از سوی دیگر در بررسی و ارزیابی کارآمدی پدیده‌ها، توجه به نکات ذیل حایز اهمیت است:
۱. از آنجا که هر پدیده ای اهداف، امکانات و موانع خاص خود را دارد به راحتی می‌توان دریافت که کارآمدی امری نسبی است و کارآمدی هر پدیده‌ای مخصوص به خود آن است. از سوی دیگر با توجه به این که اهداف، امکانات و موانع هر پدیده‌ای می‌تواند تغییر کند، کارآمدی هر پدیده خاص در حالات و شرایط گوناگون متفاوت است. از این رو کارآمدی نظام سیاسی را باید در شرایط و مراحل گوناگون (جایگزینی، استقرار، تثبیت اولیه، گذار و ثبات) به صورت جداگانه بررسی و ارزیابی کرد. البته کارآمدی کل، برابر با حاصل جمع (جبری) کارآمدی‌های مراحل گوناگون است. این رابطه را می‌توان چنین بیان نمود: حاصل جمع کارآمدی مراحل گوناگون = کارآمدی کل یک پدیده زمانمند. (همان، ص ۲۲۷)

۲. در مقام ارزیابی کارآمدی یک پدیده مرکب، نظیر نظام سیاسی، به هیچ وجه نمی‌توان بر اساس کارآمدی یا ناکارآمدی یک جزء، آن پدیده را کارآمد یا ناکارآمد دانست؛ برای مثال نمی‌توان از کارآمدی یکی از اجزای نظام سیاسی لیبرال، کارآمدی کل این نظام را نتیجه گرفت و یا از ناکارآمدی یکی از اجزای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ناکارآمدی کل این نظام را استنتاج کرد؛ زیرا کارآمدی هر پدیده مرکب، امری است مجموعی که از حاصل جمع (جبری) کارآمدی اجزاء به دست می‌آید. (همان)

۲. سنجش‌های اولویتی فقه سیاسی در مقام تراحم

همان‌طور که گذشت، کارآمدی بر محور سه نظریه: توفیق، رضایت و تکلیف‌مداری است که نظریه سوم بدون این که تعارضی با دو نظریه دیگر داشته باشد، در رویکردی فراگیرتر بسته به میزان انجام تکالیف حکومتی، به کارآمدی نظام نمره می‌دهد. براساس نظریه تکلیف‌مداری، هر نظامی بعد از تاسیس با هزاران تکلیف مواجه می‌شود که قضاوت درباره کارآمدی و یا ناکارآمدی اش بدون عنایت به تراحم تکالیف فراروی آن نظام و تعیین اولویت‌ها، قضاوت درستی نخواهد بود. از این رو در ادامه به بررسی مسئله تراحم در فقه سیاسی خواهیم پرداخت. در فقه اسلامی با دو عنوان مواجه هستیم: یکی عنوان تعارض و دیگری تراحم. تعارض



مربوط به مقام جعل احکام می‌شود؛ یعنی ممکن نیست از شارع حکیم، دو حکم متعارض که تباین کلی دارند، صادر شود؛ مثلاً امکان ندارد شارع در موضوعی هم حکم به وجوب بدهد و هم حکم به حرمت. حال در چنین شرایطی اگر ما با دو دلیل متعارض مواجه شدیم، راه علاج را علم اصول به ما آموخته است؛ برای نمونه، دو دلیل درباره نماز جمعه وارد شده است که یکی می‌گوید: نماز جمعه واجب است و دلیل دیگر می‌گوید: نماز جمعه واجب نیست و هر دو دلیل، لفظی و قطعی و معتبرند. در چنین شرایطی برای حل این تعارض در بحث تعادل و تراجیح علم اصول، قواعد و راهکارهایی مطرح شده است که باید به آنجا مراجعه شود. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۷؛ مظفر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۰ و نایینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵۰۱)

از دیدگاه عالمان اصولی، تراحم یعنی ناسازگاری و تمناع دو حکم که ناشی از قدرت نداشتن مکلف بر انجام آن دو باشد. به دیگر سخن، تراحم در جایی است که مکلف در مقام امتثال (انجام تکلیف) نمی‌تواند بین دو حکم شرعی جمع نماید. در مواردی که نسبت میان دو حکم متزاحم، اهم و مهم است، عمل به حکم اهم بر مکلف واجب است و از انجام مهم صرف‌نظر می‌نماید و چنانچه از نظر اهمیت با یکدیگر مساوی باشند، تکلیفی که زمانش جلوتر است، به حکم عقل مقدم خواهد بود؛ مانند نماز ظهر و عصر که هر دو بر مکلف واجب است؛ اما در فرضی که وی تنها بر انجام دادن یکی از آن دو قدرت دارد، نماز ظهر به سبب تقدّم زمانی بر نماز عصر، مقدم می‌شود. در غیر این صورت، مکلف به حکم عقل در انجام هر یک از دو حکم مخیر است. (نایینی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۷؛ صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۲۶؛ حیدری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۹ و حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۳۵۰)

میان تراحم و تعارض چنین فرق گذاشته شده است:

۱. در باب تعارض، مدلول دو حکم در مقام ثبوت، با هم تعاند و تنافی دارند؛ یعنی در مقام جعل و تشریح، قابل اجتماع نمی‌باشند، چون مستلزم تناقض و اجتماع اراده و کراهت در نفس امر بر متعلق واحد است؛ اما در باب تراحم، تعاند در مقام اثبات، فعلیت و امتثال است، مانند تراحم وجوب نجات دو غریق در یک زمان.

۲. مرجحات در باب تعارض به مقدار دلالت و قوت سند یکی از متعارضین بر دیگری بستگی دارد؛ اما در باب تراحم ربطی به دلالت و سند حکم ندارد؛ بلکه ممکن است یکی از این دو بر دیگری که دلالت و سندش قوی‌تر است، مقدم گردد.

فرق‌های دیگری نیز بیان شده که به منظور رعایت اختصار، از بیان آنها خودداری می‌شود.



قطعاً با حضور امام معصوم، ما از وجود دلایل متعارض خلاصی می‌یابیم و به جای عمل به ظاهر و عمل به قواعد باب تعارض، به خود امام معصوم مراجعه و در مورد حکم واقعی از او سؤال می‌کنیم؛ اما باید عنایت داشت که تعداد این دلایل متعارض به نحو تباین کلی بسیار اندک است. چراکه اکثر قریب به اتفاق احکام الهی نص و صریح و عاری از دلیل متعارض و یا مبتلا به تعارض بدوی هستند که راه‌های علاجیه آن در علم اصول بیان شده است، از قبیل حمل خاص و مقید بر عام و مطلق.

اما تزاحم که مربوط به مقام اجرا و امتثال است، در هر زمانی وجود دارد و حتی امام معصوم هم ممکن است مثل بشر عادی و مکلف غیر معصوم، در مقام امتثال با دو یا چند حکم متزاحم مواجه شوند. پس تزاحم احکام ربطی به ظهور و غیبت امام معصوم ندارد؛ مثلاً نماز واجب فردی در آستانه قضا شدن است و او فقط به اندازه یک نماز واجب فرصت دارد؛ اما به محض اینکه قصد اقامه نماز را می‌کند، فریاد شخصی که در حال غرق شدن است، بلند می‌شود. در این صورت او بین دو واجب مزاحم (نماز و نجات جان مؤمن) و اگر آن غریق نامحرم باشد، بین دو واجب مزاحم و یک حرام مزاحم (لمس بدن نامحرم) قرار می‌گیرد. در این صورت طبعاً نمی‌تواند همه تکالیف را همزمان انجام دهد؛ یعنی هم نماز بخواند، هم جان فرد را نجات دهد و هم بدن نامحرم را لمس نکند.

نکته حایز اهمیت این که قطعاً اگر امام معصوم هم در این شرایط قرار گیرد، باید از سنجه‌های اولویتی بهره برد و یکی از واجبات مزاحم را بر دیگری مقدم دارد؛ زیرا امام معصوم در این شرایط از قدرت فرامادی و فرا انسانی بهره نمی‌برد و مثلاً اذان را به عقب بر نمی‌گردانند که وقت نماز نشود. پس در چنین شرایطی مکلف نیازمند بهره‌گیری از سنجه‌های اولویتی است تا اهم و مهم کند. در فرض مسئله با توجه به اهمیت حفظ جان مؤمن، ابتدا باید جان آن فرد را نجات داد؛ چون از ادله فهمیده می‌شود که حفظ دماء و حراست از جان و خون مؤمنین، مورد عنایت ویژه شارع مقدس است.

در واقع قانون کلی در تقدیم یکی از دو حکم متزاحم بر دیگری، اولویت داشتن آن به لحاظ حفظ و تقدیم نزد شارع است. اولویت نیز یا از ادله فهمیده می‌شود یا از مناسبت حکم و موضوع و یا از راه شناخت ملاک‌های احکام که شارع بیان کرده است، مانند موارد تزاحم بین حق الناس و حق الله و بین واجب رکنی و غیر رکنی در عبادت و نیز بین ایجاد آشتی میان مؤمنان با دروغ گفتن و راست‌گویی منجر به بروز فتنه و فساد که در هر سه مورد، اولی بر دومی مقدم می‌شود. (مظفر، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۳)

آنچه بیان شد، مسائلی در حوزه فقه فردی بود. پرواضح است که در حوزه فقه سیاسی و اجتماعی



آن هم در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی که امام و امت با هزاران تکلیف مواجه می‌شوند و این تکالیف در مقام امثال با یکدیگر تراحم پیدا می‌کنند، شارع به حکم قاعده عقلی «ما لایدرک کله، لایترک کله»، امثال بیشترین تکالیف ممکن را از مکلفان خواسته است؛ زیرا لازمه ترک همه وظایف، مخالفت قطعی با دستورات الهی است. لذا در مقام عمل باید بر اساس ملاک اهم و مهم و بهره‌گیری از سنجه‌های اولویتی منبعث از دین (به حکم عقل و نقل)، حرکت کرد و مسیر حکومت را پیش برد. این سنجه‌های اولویتی مبتنی بر ادله و ملاکات احکام و سیره سیاسی و عقلا، عبارت‌اند از حفظ و تثبیت امنیت جانی، مالی و فرهنگی در گستره جامعه و نظام اسلامی؛ یعنی بر اساس تهدیدات فراروی نظام اسلامی - که عبارت بودند از تهدید جانی و مالی و اخلاقی - اولویت کاری نظام اسلامی در مرحله اول، حفظ و تثبیت امنیت جانی و نظامی است. شایان ذکر است در مرحله کادرسازی، برای انجام تکالیف بزرگ اجتماعی در سطح گسترده اجتماع، عنصر فرهنگ و ایجاد اخلاقیاتی هم‌چون ایثار و شهادت‌طلبی نقش حیاتی دارد؛ اما در مرحله مدیریت بحران‌های اجتماعی و تثبیت و حفظ نظام اسلامی که از اوجب واجبات است، حفظ و تثبیت امنیت جانی اولویت دارد.

در تأیید اینکه بعد از تشکیل نظام اسلامی، تثبیت امنیت جانی اولویت دارد کافی است که به سیره علوی مراجعه کنیم. بعد از روی کار آمدن امیر مؤمنان علیه السلام و تحقق عدالت سیاسی، دشمنان داخلی و خارجی برای براندازی دست به کار شدند. عده‌ای از یاران حضرت علی علیه السلام وقتی حس کردند در حکومت او قرار نیست هم‌چون گذشته ویژه‌خواری اتفاق افتد و حضرت مشغول حسابرسی اموال است، به منظور مانع‌تراشی بر سر راه تحقق عدالت اقتصادی، بیعت خود را شکستند و در جامعه اسلامی مشکلات امنیتی ایجاد کردند. در چنین شرایطی حضرت اولویت را به تثبیت امنیت جانی داد و رسیدگی به بیت‌المال را در اولویت بعدی قرار دادند؛ چون دشمن قصد داشت اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین عنصر و مؤلفه کارآمدی نظام علوی را که امنیت جانی امت بود، زیر سؤال ببرد تا از طریق ایجاد نارضایتی عمومی، حکومت حضرت را در همان ابتدای امر ساقط کند.

۳. راهکارهای تثبیت امنیت جانی برای بالا بردن کارآمدی نظام

از آنچه گذشت مشخص شد که در مقام تراحم میان تهدیدات فراروی نظام اسلامی، اولویت ابتدایی، تقویت قدرت نظامی و تثبیت امنیت جانی است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا



نظام اسلامی جمهوری اسلامی بعد از تعیین اولویت در مقام تراحم تکالیف، توانسته است به تثبیت امنیت جانی دست یابد و چه راهکارهایی برای دستیابی به این هدف می‌توان طراحی کرد؟ برای تقویت قدرت نظامی و امنیتی، همزمان نیازمند تقویت بنیه پدافندی یا دفاعی و آفندی یا تهاجمی هستیم؛ یعنی همان‌طور که باید روزنه‌های نفوذ نظامی و امنیتی دشمن به قلب سرزمین خود را شناسایی و مسدود کنیم، باید روزنه‌های نفوذ به قلب دشمن را نیز شناسایی نماییم و از حیث ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک برای خودمان عمق استراتژیک درست کنیم تا از این طریق هزینه حمله نظامی و تهدیدات جانی دشمن را افزایش دهیم. بررسی سیر چهل ساله انقلاب نشان می‌دهد که نظام اسلامی ما در این زمینه بسیار کارآمد بوده است و بعد از تثبیت امنیت جانی، وارد فاز بعدی تثبیت امنیت یعنی امنیت، اقتصادی و مقاوم‌سازی اقتصاد شده است. در ادامه بخشی از راهکارها و نقشه راهی را که منجر به تثبیت امنیت جانی شد، بررسی می‌کنیم:

۳-۱. توجه به ابعاد پدافندی و دفاعی و تقویت آنها

یکی از روزنه‌های نفوذ دشمن، نفوذ در بدنه ارتش و ساختار نظامی کشورهاست. این نفوذ در کشورهای اسلامی و خصوصاً کشورهای خاورمیانه و به صورت ویژه سه کشور ایران، ترکیه و مصر به گونه‌ای بود که هر حرکت اصلاحی و انقلابی مردم را با کودتا خنثی می‌کرد.^۱ به همین علت و با درک این موضوع، امام خمینی علیه السلام به موازات ارتشی که از دوران حکومت طاغوتی محمدرضا شاه به یادگار مانده بود و ساختاری شکننده و قابل نفوذ داشت، ارتشی مردمی و انقلابی به نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأسیس کرد.

مهم‌ترین وظیفه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حفظ و حراست از کیان نظامی و امنیتی کشور و دستاوردهای انقلاب اسلامی است؛ نکته‌ای که در اساس‌نامه این نهاد نیز به آن اشاره شده و نگرهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های آن و تقویت کامل بینه دفاعی جمهوری اسلامی را هدف اصلی آن قرار داده است. برای این منظور مأموریت‌های مختلفی هم‌چون مبارزه با اقدامات خراب‌کارانه، همکاری با نیروهای نظامی و انتظامی برای برقراری نظم و امنیت و تشکیل بسیج مستضعفین برای حفظ و حراست از انقلاب به سپاه پاسداران محول شده است. (اساس‌نامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱)

۱. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و کودتای ژنرال السیسی علیه مرسى و همین‌طور کودتای نافرجام ارتش ترکیه علیه اردوغان، جلوه‌هایی از این نفوذ است.



این نیرو در مواقع حساسی که کشور نیازمند به تثبیت امنیت جانی شهروندان بوده، حضور داشته است؛ به عنوان نمونه کودتاهای بزرگی چون کودتای نوژه را کشف و خنثی نمود، در جنگ تحمیلی عملیات‌های بسیار بزرگی را اجرا و در دفاع از شهرها و سپس در فتح خرمشهر و فاو نقش کلیدی ایفا کرد، در عملیات مرصاد حمله منافقین را پاسخ داد و در خنثی‌سازی تروها و همین‌طور کودتاهای مخملین و نرم از قبیل فتنه ۸۸ نقش بارزی را ایفا نمود.

۲-۳. توجه به ابعاد آفندی و تهاجمی و تقویت آنها

برای تثبیت امنیت در حوزه داخلی و تقویت ساخت درونی قدرت کشور باید به این نکته عنایت کرد که امنیت نقطه‌ای نیست و صرفاً حالت پدافندی نمی‌تواند در درازمدت امنیت مستقر و باثباتی را به ارمغان بیاورد. از این رو توجه به ابعاد تهاجمی و ایجاد عمق استراتژیک در اطراف دشمن و فراسوی مرزها، حربه‌ای کاملاً عقلایی و منطقی است. امیرالمومنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«تَوَلُّوا الْجِبَالَ وَلَا تَزُلُّ؛ عَضَّ عَلَى نَاحِيكَ؛ أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ؛ تَدْفِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ؛ اِزْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ عَضَّ بِبَصْرِكَ؛ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ»؛ اگر کوه‌ها متزلزل شود، تو تکان مخور؛ دندان‌هایت را به هم بفشار و جمجمه خویش را به خدا عاریت ده؛ قدم‌هایت را بر زمین می‌خکوب کن؛ نگاهت به آخر لشکر دشمن باشد و چشمت را فرو گیر (و مرعوب نفرات و تجهیزات دشمن نشو)؛ و بدان که نصرت و پیروزی از سوی خداوند سبحان است. (نهج البلاغه، خطبه ۱)

حضرت در این عبارات خطاب به فرزندش محمد حنفیه چند نکته کلیدی را درباره جنگ با دشمن بیان می‌دارد؛ از جمله اینکه می‌فرماید: «اِزْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ»؛ کنایه از این‌که باید عقبه استراتژیک دشمن را شناسایی کرد و به دورترین نقطه این عقبه نیز نظر داشت تا بتوان بهتر و کامل‌تر با آن مقابله نمود. البته ممکن است وقتی به این عقبه استراتژیک آگاه شویم، عده و عده دشمن به قدری باشد که ما را دچار ترس و عقب‌نشینی کند. لذا حضرت بلافاصله می‌فرماید: «وَ عَضَّ بِبَصْرِكَ؛ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ.» کنایه از این‌که آن عقبه تو را به هراس نیندازد؛ زیرا هر چقدر هم که عقبه دشمن بزرگ و دهشتناک باشد، قدرت الهی فوق آن است.

در خطبه دیگر نیز حضرت به صراحت بر این نکته تأکید دارند و می‌فرماید:

«أَلَا وَ إِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَ نَهَارًا وَ سِرًّا وَ إِعْلَانًا وَ قُلْتُ لَكُمْ اغْرَوْهُمْ



قَبْلَ أَنْ يَعْزُوكُمْ. فَوَاللَّهِ مَا عَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَادَلْتُمْ حَتَّى شُنِئَتْ عَلَيْكُمْ الْعَارَاتُ وَ مُلِكْتُ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانُ»؛ آگاه باشید که من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را به مبارزه با شامیان دعوت کردم و گفتم پیش از آنکه آنها با شما بجنگند، با آنان نبرد کنید. به خدا سوگند هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد؛ اما شما سستی به خرج دادید و خواری و ذلت را پذیرفتید، تا آنجا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمین‌های شما را تصرف نمود. (همان، خطبه ۲۷)

حضرت در این عبارات خطاب به کوفیانی که از جنگ با شامیان طفره می‌رفتند، می‌فرماید: «فَوَاللَّهِ مَا عَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا»؛ کنایه از این که باید به عمق استراتژیک دشمن حمله ور شد و حالت تهاجمی و آفندی داشت. سپس به این نکته اشاره می‌کند که سستی شما و بی‌توجهی به حمله پیش‌دستانه و آفندی منجر به این شد که شامیان شما را ذلیل کردند و بر نقاط استراتژیک و مهم سرزمین شما سلطه و سیطره یافتند.

بی‌تردید دشمن اصلی پیشران تمدن و نظم نوین اسلامی، یعنی جمهوری اسلامی ایران، کسی نیست جز پیشران تمدن و نظم موجود، یعنی آمریکا. لذا باید به نکات ذیل توجه داشت:

۱. باید به مرزهای سرزمینی آمریکا و نقاط استراتژیک و راهبردی مجاور آن مثل کشورهای آمریکای جنوبی و همین‌طور خلیج مکزیک که اهمیت راهبردی برای آمریکا دارد، نزدیک شد.

۲. بدین منظور باید نیروی دریایی و ناوگان دریایی خود را تقویت کنیم و در دریای کاراییب و خلیج مکزیک و سایر آب‌های سرزمینی آمریکا حضور داشته باشیم.^۱

۳. بر اساس منطق قرآنی این عمق استراتژیک ابتدا باید در بین دشمنان نزدیک و مجاور که دست‌نشانده‌های دشمن اصلی هستند، ایجاد شود. در نتیجه باید بر نقاط راهبردی و مرزهای استراتژیک دشمن نزدیک نیز مسلط شد و عمق استراتژیک ایجاد کرد. قرآن در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند.) آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند و بدانند خداوند با پرهیزگاران است. (بقره: ۱۲۳)

بر اساس این آیه، مؤمنان باید با دشمنان نزدیک‌تر و هم‌مجاور نیز مقاتله کنند؛ زیرا علاوه

۱. رهبری نیز بر این نکته تأکید دارند و فرمانده ارتش هدف راهبردی نیروی دریایی را حضور در خلیج مکزیک عنوان کرده است: خبرگزاری تسنیم (<http://yon.ir/6l5zB>)



بر این که آنها بازوی دشمن اصلی هستند، پرداختن به دشمنان نزدیک‌تر و جنگیدن با آنان، مزایایی دارد؛ از جمله اینکه به هزینه و امکانات کمتری نیاز دارد، اطلاعات ما از آنان بیشتر است، تدارک جبهه آسان‌تر و آمادگی عمومی برای مقابله با آنان بیشتر است، خطرشان مقدم‌تر است، راه دفع آنان و دسترسی به منطقه جنگ سریع‌تر است.

بی‌تردید اصلی‌ترین دشمن ایران به عنوان پیشران تمدن و نظم نوین اسلامی در منطقه پیرامونی، اسرائیل است. لذا امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری غزه و لبنان را عمق استراتژیک کشور معرفی کردند و حضور در مرزهای پیرامونی اسرائیل را امری حیاتی به حساب آوردند و گروه‌هایی چون حزب الله و حماس را تقویت نمودند و فرمان تسلیح کرانه باختری را صادر کردند. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۴)

آنچه ذکر شد، بخشی از مهم‌ترین راهکارهای تقویت بینه دفاعی کشور پیشران است. نظام جمهوری اسلامی ایران با مجموعه این اقدامات توانسته است از تهدیدات نظامی و تروریستی گسترده در منطقه‌ای به شدت ناامن و بی‌ثبات، عبور کند و کارآمدی خود را در ایجاد و تثبیت امنیت جانی ملت نشان دهد. پس بر اساس هر کدام از معانی کارآمدی (توفیق، رضایت و تکلیف‌مداری) نظام جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اهداف طراحی شده برای انقلاب اسلامی و با عنایت به مقام تراحم تکالیف و سنجه‌های اولویتی فقهی، هم در تحقق اهدافش توفیق داشته، هم رضایت بسیار بالایی را در زمینه تثبیت امنیت جانی در کشور کسب کرده و هم به تکالیف خود در مقام تراحم عمل نموده و لذا از کارآمدی بسیار بالایی برخوردار است. هم‌چنین جمهوری اسلامی بر اساس نقشه راه طراحی شده، در مرحله تثبیت امنیت اقتصادی تحت رهبری توانمند ولی فقیه، مجاهدانه به سمت تثبیت و مقاوم‌سازی اقتصاد در حال حرکت است.

نتیجه

۱. در تعریف و توضیح کارآمدی، سه نظریه ارائه شده است: یکی نظریه توفیق که کارآمدی نظام‌ها را با ملاک رسیدن به اهداف می‌سنجد. دیگری نظریه رضایت که بدون توجه به توانایی حکومت در تحقق اهداف، تنها به این وجه توجه می‌کند که حکومت تا چه مقدار توانسته است رضایت مجموعه کسانی را که با آنها ارتباط دارد، جلب کند. سوم نظریه تکلیف‌مداری که با دو رویکرد فوق تعارضی ندارد؛ ولی فراتر از آنها به مسئله کارآمدی نگاه می‌کند؛ به این معنا که کارآمدی نظام را با میزان تعهد و التزام حکومت به تکالیف شرعی مورد نظر جامعه می‌سنجد.



مقاله حاضر مبتنی بر نظریه تکلیف‌مداری به این جمع‌بندی رسید که جمهوری اسلامی ایران در انجام تکالیف خود کارآمد بوده است.

۲. انقلاب اسلامی ایران بعد از موفقیت در سرنگونی نظام طاغوت و تأسیس نظام اسلامی، با سه نوع تهدید فراگیر مواجه شد که عبارت‌اند از: تهدید جانی، تهدید مالی و تهدید فرهنگی. ۳. بر اساس سنجش‌های فقه سیاسی در مقام تراحم تکالیف که از ادله و سیره و بنای عقلا فهمیده می‌شود، اولویت ابتدایی در مرحله تثبیت نظام، برداشتن تهدیدات فراگیر جانی و تثبیت امنیت جانی است؛ چراکه مسئله جان و خون عقلاً و شرعاً اهم است.

۴. بررسی‌ها نشان داد که نظام جمهوری اسلامی ایران با عنایت به مسائل پدافندی و آفندی در مرحله تثبیت امنیت جانی علی‌رغم همه مشکلات بسیار خوب عمل کرده و بر اساس تعاریف کارآمدی هم به اهدافش دست یافته، هم در حوزه امنیت جانی موفق به جلب رضایت کامل مردم شده و هم به تکالیفش بر اساس مقام تراحم عمل کرده است. از این رو نظام جمهوری اسلامی در مرحله تثبیت امنیت جانی بسیار کارآمد بوده است و در حال حاضر نیز با تلاشی مجاهدانه در حال تثبیت امنیت مالی و امنیت اقتصادی است.



فهرست منابع

کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ۱. آقابخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: انتشارات چاپار.
- ۲. حکیم، سیدمحمدتقی (۱۴۱۸ق). الأصول العامة. قم: المجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام.
- ۳. حیدری، سیدعلی نقی (۱۴۱۲ق). اصول الاستنباط. قم: شورای مدیریت حوزه علمیه قم.
- ۴. خراسانی (آخوند خراسانی)، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). کفایة الاصول. قم: مؤسسه آل‌البيت عليه السلام.
- ۵. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۸). أجود التقریرات. قم: انتشارات مصطفوی.
- ۶. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الأصول. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- ۷. فتحعلی، محمود (۱۳۸۳). مبانی اندیشه سیاسی. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی عليه السلام.
- ۸. لیبست، سپور (خرداد و تیر ۷۶). مشروعیت و کارآمدی. فرهنگ توسعه. (ترجمه: رضا زبیب)، شماره ۱۸.
- ۹. مظفر، محمدرضا (بی‌تا). اصول فقه. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ۱۰. نائینی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). فوائد الأصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مقالات

- ۱. ذوعلم، علی (۱۳۸۳). ولایت فقیه: از تئوری تا تجربه. ماهنامه زمانه.
- ۲. فاطمی، امیرعلی (۱۳۸۸/۴/۲۲). بازنگری به ناآرامی‌های قومی و منطقه‌ای پس از پیروزی انقلاب. روزنامه رسالت. شماره ۶۷۵۰.

پایگاه‌های اینترنتی

- ۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام (۱۳۹۳/۹/۴)، تاریخ دستیابی: ۱۴۰۱/۴/۲۱؛ <http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28278>
- ۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (جست‌وجو برای: اساس‌نامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، تاریخ دستیابی: ۱۴۰۱/۴/۲۱؛ <http://www.rc.majlis.ir/fa/law/show/90595>
- ۳. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) (جست‌وجو برای: مروری بر حملات تروریستی پس از انقلاب) تاریخ دستیابی: <https://www.isna.ir/news/97072212000>